

بررسی و نقد کتاب

الفتنة

محمدحسن الهی‌زاده*

چکیده

کتاب *الفتنة جدلیة الدین و السیاسة فی الاسلام المبکر* اثر متفکر و مورخ تونسی دکتر هشام جعیت از آثار جهانی است که در دسامبر ۱۹۹۱ به عربی ترجمه شد و انتشارات دارالطلیعه در بیروت آن را چاپ کرد. در این کتاب، که در پنج بخش تنظیم شده است، رویدادهای مهم تاریخی‌ای که ۳۰ سال پس از رحلت نبی مکرم (ص) به وقوع پیوسته مطرح شده و با محوریت رویدادهای سال‌های پایانی خلافت عثمان و دوران خلافت امام علی (ع) بررسی و تحلیل شده است. وحدت دینی، بنای دولت اسلامی و جهاد، فتوحات و امپراتوری اسلامی، جنگ‌های جمل، صفین، و نهروان از مباحث اساسی کتاب محسوب می‌شود. اصطلاح فتنه پنج سال پایانی دوران خلافت راشدین را شامل می‌شود؛ دورانی که، به نظر نویسنده کتاب، ترکیبی از نزاع داخلی و نزاع دینی است که در نهایت به شکل‌گیری احزاب و گسست اجتماعی در امت پیامبر (ص) منجر شد. با وجود اهمیت این مسئله و این‌که تاکنون اثر تاریخی جدی‌ای در این خصوص تألیف نشده است نویسنده تلاش کرده با دقت، وسواس، و ژرف‌نگری اثری تاریخی بنگارد. در این مقاله، ضمن معرفی شکلی اثر، به تحلیل بیرونی و درونی و نقد و ارزیابی آن پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: فتنه، قاریان، معاویه، علی، دیانت، سیاست.

۱. مقدمه

سال‌های دهه ۳۰ هجری قمری در تاریخ اسلام سال‌های مهم و تعیین‌کننده‌ای از لحاظ سیاسی، فکری، و اعتقادی محسوب می‌شود. تراکم رویدادهای سیاسی و فکری در این دهه

* دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند mhelahizadeh@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۵

به قدری است که پس از گذشت قرن‌ها، کانون توجه مورخان و پژوهش‌گران بوده است. کشته شدن دو خلیفه و حاکم جامعه اسلامی، بروز سه جنگ داخلی (جمل، صفین، و نهروان)، و پیدایش فرق و گروه‌های مختلف فکری، نظیر خوارج، از ویژگی‌های بارز این دهه است. مورخان و پژوهش‌گران تاریخ، بسته به خاستگاه فکری و زاویه دید، رویکردهای متفاوتی به این دهه داشته‌اند. هشام جعیت در این کتاب به بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی، اجتماعی، و فکری از جنبه فتنه و فتنه‌گری در این دهه پرداخته است.

۲. معرفی کلی و تحلیل بیرونی اثر و مؤلف

کتاب فتنه، جدال دین و سیاست در دوره نخستین اسلامی، اثر متفکر و مورخ تونسی، دکتر هشام جعیت (۱۳۱۴ ش / ۱۳۵۴ ق) به زبان فرانسه است که خلیل احمد خلیل، استاد عرفان و فلسفه دانشگاه لبنان، آن را با عنوان *الفتنة جدلیة الدین و السیاسة فی الاسلام المبکر* به زبان عربی ترجمه کرده است و برای اولین بار در دسامبر ۱۹۹۱ انتشارات دارالطلیعه در بیروت آن را چاپ کرد. نقد و بررسی حاضر، بر اساس چاپ چهارم در مارس ۲۰۰۰ صورت گرفته است. این کتاب در قالب یک مقدمه، پنج بخش، و پیوست‌ها تنظیم شده که شامل ۳۳۵ صفحه می‌شود. بخش نخست کتاب، که «عصر پیدایش اسلام» نام دارد، شامل سه مبحث وحدت دینی، بنای دولت اسلامی، و جهاد، فتوحات و امپراتوری اسلامی است. بخش دوم «فتنه در قالب بحران و بروز جنگ» نام دارد که ذیل سه عنوان اصلی تحولات، بحران، و جنگ تنظیم شده است. بخش سوم «فتنه پرهیجان، دوران جنگ» نام دارد و شامل سه قسمت بررسی تاریخی و تاریخ‌گذاری، علی (ع) و اتحاد سه‌گانه جمل، و نبردگاه صفین است. بخش چهارم با عنوان «خط سازش و خط دگم‌اندیشی» با دو مبحث روی آوردن به حکمیت و پیدایش جریان خارجی‌گری و نهروان و کشتار خوارج به بیان قسمتی از دوران حکومت علی (ع) می‌پردازد. بخش پایانی «کشمکش بر سر قدرت» نام دارد و ذیل سه مبحث افزایش دایره نفوذ معاویه، محدودیت مجال نفوذ علی (ع) و دستیابی معاویه به حکومت مرتب شده است. در پایان کتاب بحثی با عنوان اضافات در قالب شش صفحه آمده است. پایان‌بخش مطالب کتاب‌نامه است که به ترتیب شامل منابع و پژوهش‌ها (عربی - لاتین) می‌شود.

مسئله اصلی کتاب چرایی و چگونگی بحرانی شدن مناسبات دین و سیاست در دوران فتنه است. منظور از فتنه حوادث پنج سال پایانی دوران خلافت راشدین (۳۵-۴۰ هجری)

است که منجر به افتراق و تجزیه امت پیامبر (ص) شد. از نظر نویسنده، قاریان عراقی، معاویه، و علی (ع) سه عامل و بازیگر اصلی دوران فتنه به حساب می‌آیند. در این دیدگاه، جریان فتنه مسئله‌ای دینی - سیاسی تلقی می‌شود که ریشه آن در برداشت‌های مختلف طرف‌های دعوا از دیانت و سیاست است. قاریان، که در قتل عثمان نقش مستقیمی داشتند، به ظاهر و لفظ کلام خداوند باور داشتند و در برداشت‌های خود از آیات قرآن زمان و مکان را لحاظ نمی‌کردند. معاویه و یاران شامی‌اش، که در مقام خون‌خواهی عثمان ادعای قصاص داشتند، در پوششی از هدفی دینی به دنبال کسب اقتدار سیاسی بودند. در جبهه سوم علی (ع) از یک‌سو و عایشه، طلحه، و زبیر از سوی دیگر قرار داشتند (جعیط، ۲۰۰۰: ۶). نویسنده فرایند تحولات در این پنج سال را این‌گونه ترسیم می‌کند: قاریان عراقی پس از کشته شدن عثمان گرد علی (ع) جمع شدند و هم‌چون سایر مردم با او بیعت کردند. عایشه، همسر پیامبر (ص)، به همراه طلحه و زبیر در طلب خون عثمان علیه علی (ع) قیام کرد. پس از شکست اصحاب جمل و فروکش کردن غائله خون‌خواهی عثمان در عراق، معاویه و یارانش در شام با همان شعار در برابر علی (ع) ایستادند. در بجنوبه نبرد صفین یاران علی (ع) دچار اختلاف شدند که حاصل آن حکمیت و سپس ظهور گروه خوارج بود. چندی نگذشت که علی (ع) به دست خوارج به شهادت رسید، در حالی که هنوز اختلاف و چنددستگی در میان عراقیان از بین نرفته بود. سرانجام، معاویه حاکم شد و ماجراهایی که بر محور قتل عثمان شکل گرفته بود به پایان رسید. نویسنده در پایان با اشاره به سابقه و عملکرد روشن اسلام‌گرایانه علی (ع) و نیز استناد به تلاش‌های قاریان برای جلوگیری از انحراف حکومت او و جهت دادن آن به سوی احکام کتاب خدا، بر این نکته تأکید می‌کند که امویان از این وضعیت به نفع خود بهره بردند و خلافت را تصاحب کردند (همان: ۷).

از نظر جعیط، فتنه ترکیبی از جنگ داخلی (رقابت‌های قومی و منطقه‌ای) و نزاع دینی (قرائت‌های متفاوت) است که افراد بسیاری را به خود مشغول داشت در حالی که جز خستگی روحی و روانی و تلفات جانی و مالی نتیجه دیگری نداشت. نویسنده معتقد است با وجود اهمیت این مسئله، جای تعجب است که تاکنون اثری جدی در این خصوص تألیف نشده است جز کتاب فتنه بزرگ اثر طه حسین که اثری ادبی است تا تاریخی.

نویسنده تلاش کرده است با دقت، وسواس، و ژرف‌نگری اثری تاریخی بنگارد و چگونگی اندیشه‌گری و اوضاع مردمان آن دوران را، که «مرحله تأسیس هویت اسلامی»

می‌نامد، بفهمد. او سعی کرده است به‌خوبی انبوه داده‌های تاریخی را درک کند و همراه با تحلیلی اساسی، تاریخی بی‌کم و کسر بنویسد. او اثر خود را احیای قسمتی از تاریخ پرفراز و نشیب و متراکم اسلام دانسته که با تکیه بر مطالب معتبر تاریخی و مستند نوشته شده است (همان: ۸).

مؤلف اثر، هشام جعیط، یکی از روشن‌فکران و تاریخ‌نگاران برجسته تونسی است که تاکنون کتاب‌های زیادی در زمینه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی و عربی، قرآن، نبوت، و سیره پیامبر (ص) نوشته است. او در ۱۹۸۱ از دانشگاه پاریس دکتری تاریخ اسلام گرفت و در همین رشته در دانشگاه‌های تونس مشغول به تدریس شد. بعدها در کرسی‌های تاریخ اسلام دانشگاه‌های امریکا و فرانسه نیز به تدریس پرداخت. برخی کتاب‌های او به زبان فرانسه و برخی دیگر به زبان عربی منتشر شده است.

۳. تحلیل درونی اثر

۱.۳ فتنه

به باور نویسنده، اسلام دعوتی دینی است که رویکردی فرهنگی دارد (همان: ۲۱). او سه عنصر سلطه خداوند، کاریزمای پیامبر (ص)، و امت را عوامل به وجود آورنده دولت اسلامی معرفی می‌کند (همان: ۲۶). در نظر او، فتنه ترکیبی از جنگ داخلی و نزاع دینی است (همان: ۸).

نویسنده یک‌سری تحولات به هم پیوسته و در عین حال متفاوت و گاه متعارض را، که در جهت وحدت امت اسلامی روی داده است، مد نظر قرار داده و همه را با یک جریان یعنی فتنه معرفی و تفسیر کرده است. در واقع آن را ترکیبی از جنگ‌ها، مسائل دیپلماسی، شخصی، و ایدئولوژیکی می‌داند. از نظر او فتنه پیچیده و در حال دگرگونی است و امکان ندارد آن را در مفهوم شناخته‌شده نزد فکر غربی یعنی جنگ داخلی (به قول ولهاوزن) تعبیر کنیم، همان‌گونه که نمی‌توان آن را جنگ دینی صرف دانست و انقلاب به معنای دقیق نیز به شمار نمی‌آید و فقط زمانی معنای دقیق آن روشن می‌شود که مراحلش را ترسیم کنیم (همان: ۲۴۳). از نظر او مخالفت عراقیان و مصریان با عثمان آغاز دوران فتنه به شمار می‌آید. اهم مواردی که سبب بروز مخالفت علیه خلیفه عثمان شد در درجه نخست مربوط به سیاست شهرها و اقدامات ظالمانه و ستمگرانه والیان او بود. آنان از عثمان می‌خواستند که وایانش را عزل کند، به‌ویژه عبدالله بن سعد والی مصر. در سطحی دیگر، مخالفت‌ها

معطوف به همان اعتراضات اسلامی و اساسی بود که پیش از این صحابه شناخته شده‌ای نظیر ابوذر، عمار، عبدالله بن مسعود و دیگران، درباره دزدی از بیت‌المال، خویشاوندگرایی در حکومت، و آتش زدن قرآن‌ها به عثمان داشتند و از آن با عنوان تبدیل و تغییر یاد می‌کردند. درجه سوم مخالفت‌ها به وفادار نبودن عثمان به قرارها و تعهدات آغاز روی کارآمدنش برمی‌گشت به‌ویژه عمل بر اساس سنت ابوبکر و عمر که به آن بی‌توجهی شده بود؛ از این رو مخالفت‌ها گاه به نام اسلام، گاه به اسم قرآن و گاه به اسم سنت نبوی و شیخین مطرح می‌شد.

از این دیدگاه فتنه جنبه‌های مختلفی را تشکیل می‌دهد، صحنه‌های قتل و نبرد است، دست‌اندرکارانش زیادند، مواضعش متعدد و از مدینه تا بصره و شام و سرحدات شرقی عراق گسترده است (همان: ۲۴۲) و چهار واقعه قتل عثمان، جنگ جمل، جنگ صفین، و جنگ نهروان را شامل می‌شود (همان: ۲۴۱). فتنه پدیده‌ای چندوجهی است که صرفاً به معنای اختلاف و نزاع نیست، بلکه به معنای وحدت نیز هست. وحدتی که در ورای اختلاف و نزاع جست‌وجو می‌شود. به سخن دیگر، فتنه تصویری شامل بود که محدود به واقعه جنگی نمی‌شد، بلکه اولویت اجماع را مد نظر داشت. مثلاً کسانی که از بیعت با علی (ع) سر باز زدند و در گوشه دل‌پسندی اعتکاف کردند بر این باورند که نمونه بی‌غل و غش آن سعد بن ابی‌وقاص است (همان: ۲۴۲). لذا می‌توان گفت فتنه شامل مجموعه کاملی از وقایع پیوسته مرتبط به هم است که با همه ویژگی‌های تاریخی‌اش در منابع ظهور نکرده و ماهیت و محتوای آن به صورت کامل بررسی نشده است (همان).

نویسنده معتقد است سه گروه در فتنه نقش داشتند؛ اسلام رادیکالی (قاریان)، اسلام تاریخی و شرعی (علی)، و اسلام سیاسی و آریستوکراسی (معاویه) (همان: ۳۲۳). دوران فتنه با شورش علیه عثمان شروع شد، از سال ۳۸ به بعد وارد مرحله جدیدی شد، معاویه به عنوان قدرت برتر مطرح شد (همان: ۲۴۳) و دگرگونی همه‌جانبه‌ای در اوضاع بروز کرد، قلمرو تحت امر علی (ع) مورد هجوم معاویه قرار گرفت و در نحوه نزاع و شیوه جنگ میان طرفین تغییراتی حاصل شد (همان: ۲۴۴). با شهادت علی (ع) فتنه به متتها درجه خود رسید (همان: ۲۹۲) و کناره‌گیری حسن بن علی از خلافت و تحقق سلطه بدون منازع معاویه بر قلمرو اسلامی نیز پایان‌بخش دوران فتنه به شمار می‌رود (همان: ۳۲۰). از آنجا که علی (ع) مرکز توجه حوادث فتنه است، ثمره تطور تاریخی بعد از شهادتش انعکاس سه وجه از او در ضمیر جامعه اسلامی است: علی ایمان، علی اسطوره، و علی تاریخ (همان: ۳۰۱).

۲.۳ قاریان - خوارج

ائتلافی که پیرامون علی (ع) جمع شدند از لحاظ ایدئولوژی و اقلیم منسجم نبودند قاریان، اشراف، کوفیان، انصار، و بصریان بودند (همان: ۱۹۶). در خصوص ماهیت قاریان باید گفت آنان نه اشتراک قبیله‌ای داشتند نه اشتراک جهادی، بلکه عملاً از «اهل الایام و القادسیه» بودند. آنان عموماً در اسلام سابقه داشتند و معمولاً بزرگانشان از حقوق اجتماعی آن‌ها در مقابل حاکمان دفاع می‌کردند. آنان فاقد جایگاه قبیله‌ای خاصی بودند و عمدتاً به سبب وجه شخصی و صفات فردی و نفوذ در قبیله‌شان اهمیت داشتند، نه به سبب جایگاه برخاسته از نظام قبیله‌ای. اشخاصی نظیر مالک اشتر، کمیل بن زیاد، حجر بن عدی، حارث بن عبدالله همدانی و حتی بزرگان قبیله‌ای نظیر اشعث بن قیس (کنده)، سعید بن قیس (همدان) و جریر بن عبدالله (بجیله) در زمره قاریان عراق‌اند و بیش‌تر از قبایل یمنی نخع، مذحج، همدان، ازد، و کنده‌اند و به‌ندرت از ربیعه و مضر بین آن‌ها یافت می‌شود.

ابوموسی اشعری در گستره ایدئولوژی به جریان قاریان اصالت داد و با مواضع خود جریان اعتزال بی‌طرفانه را عینیت بخشید؛ نه اعتزالی سلبی و تأمل‌زا که به صحرا پناه می‌برد و ساکت است، بلکه اعتزالی اثباتی و ستیزه‌جویانه و تا بیش‌ترین اندازه مقاوم. جریان اعتزالی‌ای که از مردم می‌خواست برای بازگشت وحدت و زایل شدن فتنه شمشیرها را غلاف کنند (همان: ۱۶۰). این اعتزال در وجود جنگجویان کوفی بذر شک می‌کاشت و در ضمیر کوفیان افکار صلح‌آمیزی را که غایب شده بود زنده می‌کرد و تار و پود تناقضاتی که علی (ع) را در خود سردرگم می‌کرد، می‌بافت. ابوموسی شخص مرکزی عمل اعتزال در کوفه به حساب می‌آید که بعد از شکست ظاهری و عزلش از حکومت کوفه، هم‌چنان از بزرگ کردن سایه طولانی کلامش در درون ضمیرها باز نایستاد (همان: ۱۶۱) و نافرمانی کوفیان در صفین از علی (ع) نتیجه کارهای ابوموسی و اشراف عراق بود (همان: ۲۱۱).

نویسنده خوارج را دو دسته می‌داند: دسته اول شامل کسانی است که بعد از جنگ صفین و قبل از تجمع نهروان بروز کردند که اصطلاحاً به حروریه یا قاریان معروف‌اند؛ دسته دوم کسانی که در نهروان جمع شدند و تکمیل‌کننده فکر خارجی‌گری بودند و فقط خود و هم‌فکران خود را مسلمان می‌دانستند و بقیه را کافر تلقی می‌کردند. تنها گروهی که اندیشه تحکیم را به‌جد پیگیری می‌کرد گروه قاریان - خوارج بود (همان: ۲۲۱). خوارج گروهی بودند که شعورشان را در عمل مصروف به حق کردند نه در تأمل (همان: ۲۲۵). خوارج حکومت بشری را قبول داشتند لیکن استیلائی قریش بر خلافت را نمی‌پذیرفتند

(همان). در نظر خوارج دین یعنی ایمان خاص، نه علم کلام خاص. آنان هر کسی را که با رأیشان همراه نبود کافر می‌شمردند و در ادامه ملعون و خونش را حلال می‌دانستند (همان: ۲۲۷). مسئله سیاسی پشت ادعای خوارج نیست، چون آن‌ها سیاست را ذاتاً انکار می‌کردند و صرفاً درک محضی از عاطفه دینی داشتند، یعنی جنبه‌ای از دین که با زهد و یقین به حقیقت و دعوت به شهادت همراه است (همان: ۲۲۸). قاریان - خوارج گروهی‌اند که با همه وجود در همه صحنه‌های مهم تاریخی قبل از فتنه حاضر بودند و پس از آن در نبردها علیه عثمان، طلحه، زبیر، معاویه و در نهایت علی جنگیده بودند و پیوسته خون داده یا خون ریخته بودند (همان: ۲۴۲).

خریت بن راشد به عنوان ادامه‌دهنده جریان قاریان - خوارج، که در کوفه علیه علی (ع) به سرکشی قیام کرد، سه مسئله اساسی را مد نظر داشت؛ مظلوم کشته شدن عثمان، خلع علی (ع) و معاویه بر اساس حکمیت، و واگذار کردن امر تعیین خلیفه به شورا. مراد او از شورا عملی است که از طریق آن امت پیشوای خود را برگزینند و پیرامون اسم و شخصش اتفاق کنند. آن شخص امامی است که از اجماع بهره‌مند است (همان: ۲۶۱). شورش فارس و کرمان نیز متأثر از ماجرای سرکشی خریت بن راشد بوده، البته می‌تواند متأثر از عملکرد حاکم فارس زیاد بن ابیه نیز باشد (همان: ۲۷۸).

۳.۳ عایشه، طلحه، و زبیر

ماجرای خون‌خواهی عثمان از سوی عایشه در درجه نخست امری معنوی/اخلاقی بود و در درجه دوم سیاسی. یعنی تأمین بزرگی اسلام و انکار مشروعیت علی (ع). به عبارت بهتر عمل عایشه با علی (ع) دسیسه و قیام علیه او نبود، بلکه از آن باید تعبیر به حق‌خواهی و عدالت‌طلبی کرد، یعنی دستگیری و محاکمه قاتلان عثمان. درست است که خلیفه مسلمانان شایسته‌ترین فرد برای رسیدگی به این امر است، اما بر هر مسلمانی است که به قدر توان در مطالبه امور در جهت اجرای شریعت اسلامی و عمل به آن وارد شود و در واقع عایشه، که ام‌المؤمنین بود، مسئولیتی در خصوص فرزندان عثمان که جمهور امت اسلامی بودند، داشت (همان: ۱۴۶). حرکت عایشه بدون پیوستن طلحه و زبیر به او، که از صحابه برجسته بودند و همتای علی (ع) به حساب می‌آمدند، کامل نبود و فقط در این صورت توان موازنه با هیبت علی (ع) را داشت. البته در این میان عایشه نقش محوری داشت و روح عمل مطالبه به حساب می‌آمد. کافی بود این سه نفر در منظر مؤمنان حاضر شوند تا هم‌چون آهن‌ربا آنان را جذب کنند و از درون به حرکت وادارند و به سرعت نیروی ضربه‌زننده‌ای ایجاد

کنند (همان: ۱۴۷). علی (ع)، از آن رو که فکر می‌کرد طلحه و زبیر بیعتشان را نخواهند شکست، اجازه داد از مدینه به مکه روند (همان: ۱۴۸). اصحاب جمل برای طلب یاری به سوی بصره رفتند تا با کمک آنان و بر اساس شرع قاتلان عثمان را تعقیب کنند. آنان یک لحظه هم به فکر جنگ با علی (ع) نبودند؛ به عبارت بهتر حرکت عایشه، طلحه، و زبیر معطوف به مظلوم کشته شدن عثمان بود، نه به تغییر در حکومت مدینه یا دشمنی با آن (همان: ۱۴۹). در همین راستا، عایشه در سخنانش برای بصریان از اصلاح به معنای قرآنی‌اش سخن می‌گوید نه از خون‌خواهی (همان: ۱۵۰). هم‌چنین متحد نبودن اصحاب جمل علیه علی (ع) با معاویه و به‌کارنگرفتن بازی دیپلماسی از سوی آن‌ها بیان‌گر اصلاح‌طلبی آنان بود (همان: ۱۵۲). از این دیدگاه نبرد جمل جنگی در راه دین و صراط و منهج یا راه علی با عایشه بود؛ به عبارتی، تقابل شور اسلام و غیرت عرب بود، انگیزه دین در برابر انگیزه خون (همان: ۱۶۹). البته جنگ جمل در نگاه بصریان جنگ زوجة پیامبر (ص) با پسرعمو یا برادر پیامبر (ص) به شمار می‌فت و از این منظر مسئله اصلی یعنی خلافت، کم‌تر مورد توجه است (همان: ۱۶۶).

۴.۳ معاویه و شامیان

معاویه و شامیان در پوشش دین ولی برای اهداف سیاسی خود تلاش می‌کردند. معاویه عملاً بعد از شکست طلحه، زبیر، و عایشه، با شعار خون‌خواهی عثمان وارد ماجرا شد (همان: ۷) و فتنه به نبرد علی (ع) و معاویه منحصر شد (همان: ۲۴۴). برخلاف عراقیان، جماعت شامی پیرو معاویه، با وجود تفاوت قبیله‌ای ترکیب نسبتاً یک‌دستی داشتند (همان: ۱۹۶). البته مسئله قتل عثمان مسئله اصلی مورد منازعه معاویه با علی (ع) نبود (همان: ۱۹۰)، بلکه معاویه اهداف دیگری داشت و قتل عثمان برای او بهانه‌ای بیش نبود. معاویه در آغاز برای خون‌خواهی عثمان وارد عمل شد، ولی مدتی بعد به دنبال تشکیل شورا، به مثابه مرکزی شرعی و قانونی، برای تعیین وضعیت سیاسی مسلمانان بود و بعد از آن به‌وضوح خلافت خود را اعلام کرد (همان: ۲۴۴). در نتیجه معاویه در سه مرحله منتقم، نامزد خلافت، و خلیفه برنامه‌های خود را پیش برد (همان: ۲۴۵). به باور نویسنده، در ابتدا این بلندپروازی‌ها مد نظر معاویه نبود، یعنی تا سال ۳۸ معاویه هنوز تمایلی به خلافت از خود نشان نمی‌داد، بلکه صرفاً به برخی مناطق تحت امر علی (ع) تجاوز می‌کرد و در واقع از سال ۴۰ هجری است که تمایل او به خلافت به صورت پافشاری نمایان‌گر می‌شود (همان: ۲۴۶).

نویسنده در مقایسه‌ای میان جنگ جمل و صفین بر این باور است که این دو در امر دین شبیه‌اند، چنان‌که در جمل چهارپایی شرف رسول را حمل می‌کرد و در صفین نیزه‌هایی کلام خدا را (همان: ۲۰۳). معاویه از نتایج حکمیت سود بسیار فراوانی برد، حداقل به قانونی شدن حکومتش نزد شامیان ختم شد و از والی به خلیفه تبدیل شد (همان: ۲۴۰).

غارات، که توسط معاویه و پیروان شامی‌اش صورت می‌گرفت، حلقه‌ خاصی در سلسله طولانی فتنه به شمار می‌آید (همان: ۲۸۴) که با هدف ایجاد ترس در دشمن و ضربه زدن به نقاط ضعیف از لحاظ دفاعی در حکومت علی (ع) صورت می‌گرفت (همان: ۲۸۶). بر اساس منطق زمانی فتنه، می‌توان گفت غارات پایانی بر عمل مسلحانه مستقیم علیه علی (ع) بعد از فترت تحکیم بود (همان: ۲۸۴).

عثمانیه و معتزلین مصر نیز با این‌که با معاویه در یک جبهه قرار می‌گرفتند در مقابل معاویه و شامیان استقلال عمل خود را حفظ کردند (همان: ۲۴۷)، ولی با مقاومت اهل شام در برابر علی (ع) آنان نیز در مقابل پیروان مصری علی (ع) ایستادند و توانستند امور مصر را قبضه کنند تا آن‌جا که علی ناچار شد مالک اشتر را برای کنترل امور مصر بفرستد (همان: ۲۴۸).

۵.۳ منابع و استنادات اثر

در خصوص منابع و استنادات اثر می‌توان گفت این کتاب بر اساس دو دسته مأخذ تألیف شده است، یکی مأخذ اساسی قرن سوم هجری به‌ویژه *الرسال و الملوک طبری و انساب الاشراف بلاذری* و دیگری سایر مأخذ هم‌چون آثار دینوری، یعقوبی، خلیفه بن خیاط، ابن اعثم کوفی، و مسعودی که مأخذ دست دوم‌اند. در این میان کتاب نصر بن مزاحم منقوری که مأخذ نسبتاً اساسی دربارهٔ پیکار صفین به شمار می‌رود اهمیت بیش‌تری دارد (همان: ۱۲۹). اهمیت طبری و بلاذری در این است که از آثاری نقل قول کرده‌اند که امروزه در دسترس نیستند و مفقودند. برای نمونه طبری از کتاب *جمل و مسیر عائشه و علی* اثر سیف بن عمر تمیمی (م ۱۷۳ ق) استفاده کرده است که امروزه در دسترس نیست یا کتاب *جمل مدائنی* (م ۲۱۵ ق). در *انساب الاشراف* حوادث بزرگ جمل، صفین، و نهروان سال به سال نیامده است، بلکه در قالب سیرهٔ شخصی علی (ع) آورده شده است که در قسمت انساب بنی‌هاشم در دسترس است (همان: ۱۳۰). اختلاف میان *انساب الاشراف و الرسل و الملوک* در نوع تاریخ‌نگاری نیست، بلکه در چگونگی بهره‌گیری از منابع اولیه و کیفیت نقل و دسته‌بندی مطالب است. طبری در دوره یا در مرحله‌ای معین، مؤلفی را بر دیگری برتری

می‌دهد؛ مثلاً در جمل بیشتر به سیف تکیه می‌کند و در صفین به ابومخنف. به همان نحو سیف را در باب فتوحات ترجیح می‌دهد و ابومخنف را در مسائل راجع به انقلابات شیعه و خارجی‌گری. در مقابل بلاذری به ابومخنف به همان اندازه استناد می‌کند که به مدائنی و عوانه اعتماد دارد و می‌فهمیم زمانی که می‌گوید «قالوا» به همهٔ راویان قدیمی اشاره دارد (همان: ۱۳۱). بلاذری در نقل مطالب مآخذ به اختصار و ترکیب، البته بدون تحریف، دست می‌زند، در حالی که طبری بدون دخل و تصرف مطالب را نقل می‌کند (همان: ۱۳۲). بلاذری در خصوص این مرحلهٔ تاریخی منبع اصلی‌اش را ابومخنف قرار می‌دهد به‌ویژه در حادثهٔ جمل که سیف بن عمر سستی کرده است و برعکس در ماجرای حکمیت روایت گزاره از صالح بن کیسان را نقل می‌کند. به نظر می‌رسد بلاذری به روایات شفاهی در کنار روایات مکتوب نیز توجه می‌کند حتی اگر این روایات محدود به دورهٔ معینی نشود (همان). منابع مورد وثوق سیف بن عمر محمد بن نویره و طلحه بن اعلم‌اند و سند روایات نصر بن مزاحم پیش‌تر به مجالد بن سعید، محمد بن سائب کلبی، ابن جناب کلبی، صالح بن کیسان، عمر بن سعد، و عمرو بن شمر برمی‌گردد.

نویسنده در میان راویان پیش‌تر از همه ابومخنف را، هم به سبب گزارش کامل او از نبردهای سیاسی و دینی قرن نخست و هم به سبب تقدم زمانی‌اش بر دیگران، ملاک توجه قرار داده است (همان: ۱۳۵). از نظر او مورخان مؤسس در جهان اسلام ابومخنف، مدائنی، و واقدی‌اند که ابومخنف از آنان ۵۰ سال جلوتر است. اطلاعات مهمی چون اخبار حکمیت جز از طریق ابومخنف نرسیده است و گرچه روایتش در خصوص نبرد صفین توجه به قهرمان است به معنای اغراقی، کم‌تر از روایت نصر بن مزاحم از وقایع، اشخاص، و شعر پر است که این خود سبب درستی و ثقه بودن پیش‌تر او می‌شود (همان). وحدت روش ابومخنف در مطالبی که متعلق به خودش است و در اخباری که مربوط به واقعه است و در گفت‌وگوهایی که بین طرفین نزاع وجود دارد و در سخنرانی‌هایی که منسوب به علی (ع)، معاویه و دیگران است به یک اندازه است. البته کتاب نصر بن مزاحم در ابتکار و ترتیب نسبت به او واضح‌تر است (همان).

از دیدگاه نویسنده ابومخنف، سیف بن عمر، عوانه، ابن اسحاق، نصر بن مزاحم و حتی هشام بن محمد کلبی جمع‌کنندگان باغیرت میراث تاریخی عرب و حافظان خاطرهٔ اجتماعی‌اند که خود را وقف بیان آن کرده‌اند و بدون آن‌ها تاریخ اسلامی هرگز به وجود نمی‌آمد (همان: ۱۳۷). مورخان مذکور، کما این‌که قصه‌گو بودند، حداقل در رویدادهای اساسی، در اشخاص بزرگ و اسکلتهای حوادث واقعیت تاریخی را می‌گویند. حتی

روایات سنگین با تفصیل تاریخی مثل روایات نصر بن مزاحم در وقعه الصفین نشان از احاطه داشتن نصر بن مزاحم به آن معرکه دارد. گرچه اتهام آن‌ها به تشیع آشکار، می‌تواند امکان تشکیک در صحت مطالب آن‌ها ایجاد کند، اثر شیعی بودن در سیف پیدا نمی‌شود (همان). ابی‌مخنف هم تشیعیست عاطفی است نه مذهبی به گونه‌ای که ما به این نتیجه که او قصد دست‌کاری واقعیات را داشته است نمی‌رسیم (همان: ۱۳۸).

۴. نقد و ارزیابی اثر

مؤلف با به‌کارگیری روش انتقادی و با توجه به برخی روایات متناقض موجود، سعی در ملاحظه دقیق حوادث دارد و تلاش می‌کند از تفکر دقیق، که از طریق ارتباط مستقیم با متون صورت می‌گیرد، بهره‌برد و به وقت لزوم بتواند به نقدش بپردازد (همان: ۱۳۹).

تلاش نویسنده برای بی‌طرفی علمی و پژوهش عالمانه‌اش قابل توجه است. او با علم و تسلط کافی بر آن دوران تاریخی، تحلیل‌ها و اظهار نظرهای دقیق و موشکافانه‌ای دارد که ذهن خواننده را از هندسه حوادث آگاه می‌کند که همه بیان‌گر ژرف‌نگری و تسلط او همراه با تحلیل حوادث است.

نویسنده معمولاً در هر فصل با طرح سؤالاتی، به منظور ایجاد انگیزه در خواننده، مباحث مقدماتی خود را شروع می‌کند و در نهایت در پایان هر مبحث با نتیجه‌گیری مختصر در حد چند خط، مقدمات ورود به مبحث بعدی را فراهم می‌کند. از این رو متن کتاب پیوستگی و هم‌بستگی دارد تا آن‌جا که خواننده برای فهم کامل مطالب مبحث فعلی، نیاز به مطالعه مطالب مبحث بعدی دارد. گرچه انسجام مطالب برای یک اثر علمی مزیت محسوب می‌شود، نداشتن نتیجه‌گیری مستقل در هر مبحث و واگذار کردن آن به خواننده امروزه مزیت به حساب نمی‌آید.

این کتاب فاقد هرگونه تمرین، آزمون، جدول، تصویر، نمودار، و نقشه است و از آن‌جا که با رویکرد آموزشی تألیف نشده است، برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، که در سطح تخصصی بوده و به مآخذ رویکردی پژوهشی دارند، بسیار مناسب است.

به نظر می‌رسد نویسنده به سبب برخورداری از اطلاعات گسترده در زمینه موضوع مورد بحث، با استفاده از کلمات کلیدی و اصطلاحات تخصصی که برخی از آن‌ها ابداعی نویسنده است و نیز با موشکافی و دقتی تحسین‌برانگیز، توانسته است سؤالات، ابهامات، و نقاط تاریک و پیچیده تاریخی را از زاویه دید خود به‌خوبی روشن کند و تصویری گویا از آن در ذهن مخاطب ایجاد کند.

محتوا و موضوع این اثر بخش مهمی از حوادث تاریخ اسلام را دربر می‌گیرد و از این رو اهمیت تاریخی خاصی دارد و همان‌گونه که خود نویسنده نیز متذکر می‌شود، این دوران منشأ و آغاز شکل‌گیری گروه‌های مختلف فکری، سیاسی، و مذهبی در جهان اسلام است. لذا با توجه به سطح علمی بالای این اثر و برداشت‌ها و تحلیل‌های جدید و کارگشای نویسنده آن در دوران مورد نظر، می‌توان گفت این کتاب از لحاظ محتوا و موضوع اهمیت بالایی دارد و برای بهره‌گیری پژوهش‌گران کاملاً مناسب است.

امروزه، برای دانشجویان و دانش‌آموختگان زیرمجموعه‌های رشته تاریخ و کسانی که مطالعاتی در این حوزه دارند، مطالعه آثاری از این قبیل و در این سطح به‌ویژه به منظور آگاهی از آرا و دیدگاه‌های جدید ضروری است. این اثر پژوهشی تخصصی است که ضمن مآخذشناسی دقیق در خصوص مسائل مورد بحث و نقد و تحلیل داده‌ها و اطلاعات آن‌ها، آرای صاحب‌نظران و پژوهش‌گران معاصر را نیز نقد و بررسی می‌کند. در پایان نیز نظر نویسنده را، که عمدتاً جدید و قابل توجه است، مطرح می‌کند.

این اثر از زاویه‌ای جدید و با نگاهی تازه به بررسی رویدادهای دهه ساله ۳۰ تا ۴۰ هجری پرداخته است و همان‌گونه که نویسنده نیز در دیباچه آورده است، نخستین کتاب تاریخی در این موضوع است، لذا تقریباً همه کتاب نوآوری است. هم ساختار علمی نوی دارد و هم مؤلف مطالب و داده‌های خام تاریخی را با ادبیاتی علمی و تحلیلی توأم با خلاقیت مطرح کرده است. با این اوصاف تنظیم جدیدی از مباحث صورت گرفته است.

بدین سبب که بستر مطالب تاریخ بوده و نویسنده با رعایت تقدم و تأخر زمانی مباحث را تنظیم کرده است، نظم منطقی، انسجام مطالب، و تسلسل (زمانی و محتوایی) بر کل اثر حاکم است. بین عناوین کلی و میان عناوین جزئی کتاب پیوند و ارتباط منطقی وجود دارد و مطالب نیز یک‌دستی و هم‌بستگی قابل توجهی دارند، به گونه‌ای که ضرورت وجود هر کدام در جای خود به‌وضوح احساس می‌شود. لکن از آن‌جا که این اثر فاقد نتیجه‌گیری مستقل و جمع‌بندی نهایی است، خواننده باید خودش نتیجه‌گیری نهایی را از طریق استخراج و ترکیب نتایج جزئی از بطن مباحث به دست آورد.

مآخذ مورد استفاده اثر اعتبار علمی کافی دارند و نویسنده به تناسب، از منابع اصلی، مراجع عربی، و مراجع لاتین برای استحکام و مستند کردن مباحث و نیز تبیین موضوعات و نقد و بررسی آرا و نظریات بهره‌ فراوانی برده است. در همین راستا مؤلف تلاش کرده است به وقت لزوم با وسواس علمی، اختلاف روایت‌ها و تفاوت برداشت‌های راویان اولیه را متذکر شود و سپس آن‌ها را نقد، تحلیل و ارزیابی کند.

از آن‌جا که این اثر عالمانه و مطابق اصول تحقیق و اسلوب علمی نگاشته شده است، امانت را در ذکر منابع و مراجع رعایت کرده و در استنادات و ارجاعات دقت کافی وجود دارد. نویسنده همه هم و غم خود را بر ارائه تحلیل‌های عالمانه توأم با بی‌طرفی مصروف داشته و در این خصوص تا حد بسیار زیادی موفق بوده است.

محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های مورد قبول سازواری دارد و با بی‌طرفی‌ای که نویسنده در بررسی‌های خود دارد تعارضی میان محتوای این اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی به چشم نمی‌خورد.

با توجه به تعلق خاطری که نویسنده به تاریخ مسلمانان به‌ویژه آن دوران مهم از تاریخ اسلام دارد و در مورد رویدادهای آن حساسیت ویژه‌ای از خود نشان می‌دهد، رویکرد اثر به فرهنگ و ارزش‌های دینی و اسلامی رویکردی مثبت است.

نویسنده مطالب را دسته‌بندی نکرده و در قالب و شکل روایت تاریخی آن‌ها را کنار هم چیده است، لذا برای دریافت نظر نویسنده خواننده ناچار است مطالب بسیاری را بخواند تا به نظر نویسنده در خصوص موضوعی معین دست پیدا کند.

نثر نویسنده شورانگیز و احساسی و به دنبال جلب همراهی خواننده است و تلاش می‌کند این مهم را با برانگیختن احساسات مخاطب محقق کند. می‌توان گفت حالت ادبی نثر کتاب بیش‌تر از حالت پژوهشی آن است و قبل از این که سبکی پژوهشی قلمداد شود سبک ادبی به حساب می‌آید. به عبارت روشن‌تر، نویسنده از قلم خنثی و معیار استفاده نکرده است، بلکه با عباراتی تأثیرگذار، که انگار خودش در ماجرا حضور داشته، مطالب را بیان می‌کند. شاید بتوان علت این مسئله را اعتقاد و تکیه بیش از اندازه او به مورخان مسلمان و در نهایت برجسته کردن دید آن‌ها دانست. لذا در این زمینه می‌توان گفت احتمالاً او در نگارش مغلوب متون تاریخی و زبان مورخان شده و نتوانسته است خودش را از آن فضا خارج کند.

این اثر را می‌توان پژوهشی درون‌دنیای اسلامی دانست که در پژوهش نیز زیر گفتمان جهان اسلامی قرار می‌گیرد، لذا با تکیه بر سخن مورخان مسلمان و با تکیه بر احساسات اسلامی مطالب را نگاشته و تقریباً حس اسلامی را در همه موارد حفظ کرده است.

نویسنده غافل از وضعیت دین و جامعه حقیقی و ایدئال اسلام است، یعنی نه تنها ویژگی‌هایی را که در دوران خلفا بروز کرده و مسبب این رویدادها شده است مد نظر و تحلیل قرار نداده، بلکه داوری و ارزیابی خود را بر مبنای واقعیات جامعه آن عصر در نظر گرفته و بر همان اساس به تحلیل حوادث پرداخته است. اگر نویسنده با رویکردی تحلیلی

و موشکافانه به بررسی دقیق و عمیق اسباب و مسببات اصلی بروز این حوادث، که عمدتاً ریشه در رویدادهای پس از رحلت پیامبر (ص) نظیر جانشینی ایشان و بروز گفتمان‌های موازی و بعضاً معارض با گفتمان اسلام نبوی، یعنی گفتمان فتوحات و گفتمان اشرافیت دارد، می‌پرداخت، به تحلیل‌ها و نتایج مؤثرتر و نزدیک به واقع‌تری دست می‌یافت.

نویسنده صرفاً به شکل استقرایی به ذکر مطالب پرداخته است و در تنظیم مطالب بیش‌تر از فن و شیوه سخنرانی بهره برده است. این مسئله در کنار توصیفی و هیجانی شدن قلم، منجر به تکرار مکررات یا برانگیختن حس و تحریک خواننده شده است. اگر از شیوه قیاسی نیز بهره می‌گرفت و مطالب در پایان هر فصل در قالب نتیجه، دسته‌بندی و تنظیم می‌شد، فهم مطالب و مقصود نویسنده برای خواننده آسان‌تر بود.

در پایان، ضمن احترام به آرا و نظریات نویسنده محترم، قابل ذکر است که در چند مورد برداشت‌های ایشان قابل نقد است. اول این‌که علی (ع) شورش و بیعت‌شکنی طلحه و زبیر را پیش‌بینی نکرد که سبب شد ایشان اجازه عزیمت آنان به مکه را بدهد (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۴۸). در این خصوص باید گفت در منابع به این مسئله که احتمال بیعت‌شکنی طلحه و زبیر وجود داشت آشکارا اشاره شده است (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۴۵۱؛ یعقوبی، بی تا: ۱۸۰؛ بلاذری، ۱۳۹۴: ۲۲۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۵۷؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ۷۱)، لذا می‌توان گفت علی با تکیه بر اصل قصاص نکردن قبل از جنایت متظر عمل آنان ماند. این‌ نظر که حرکت عایشه، طلحه، و زبیر معطوف به مظلوم کشته شدن عثمان است نه به تغییر در حکومت مدینه یا دشمنی با آن (جعیت، ۲۰۰۰: ۱۴۹) نیز پذیرفته نیست و این‌که یادکرد عایشه در سخنرانی‌اش برای بصریان از اصلاح به معنای قرآنی آن (همان: ۱۵۰) و متحد نشدن اصحاب جمل علیه علی (ع) با معاویه را نشانه اصلاح‌طلبی آنان بدانیم (همان: ۱۵۲) با اندکی تأمل و بررسی قابل رد است؛ اگر اصحاب جمل با شخص علی (ع) مخالفی نداشتند، چرا مسبب جنگ جمل شدند و با او جنگیدند؟ درواقع، طلحه، زبیر، و عایشه، که از مخالفان اصلی عثمان محسوب می‌شدند و در ایجاد شورش علیه او نقش مؤثری داشتند، روی کار آمدن علی (ع) را خلاف انتظار خود می‌دیدند و با برپایی جنگ جمل به دنبال تغییر شرایط به نفع خود و برکناری علی (ع) از حکومت بودند.

۵. نتیجه‌گیری

موضوع این اثر بخش مهمی از حوادث تاریخ اسلام را دربر می‌گیرد و لذا اهمیت تاریخی خاصی دارد. رویدادهای این دوران منشأ شکل‌گیری گروه‌های مختلف فکری، سیاسی، و

مذهبی در جهان اسلام است. نویسنده، با توجه به این‌که در این دوره زمانی اختلافات عمیق و بزرگی میان مسلمانان بروز کرده و آنان در تشخیص درست از نادرست و حق از باطل با مشکل مواجه شدند، اصطلاح فتنه را برای این دوران انتخاب کرده است. نویسنده در این اثر با به‌کارگیری روش انتقادی و تلاش برای رعایت بی‌طرفی علمی و ارائه تحلیل‌های جدید و کارگشا و اظهار نظرهای دقیق و موشکافانه توأم با علم و تسلط کافی، اثری با سطح علمی بالا خلق کرده است. برخورداری متن کتاب از نظم منطقی، انسجام و تسلسل (زمانی و محتوایی)، در کنار بهره‌گیری نویسنده از اصطلاحات تخصصی، که برخی از آن‌ها جدید و ابداعی‌اند، ابهامات و نقاط تاریک و پیچیده تاریخی را زدوده و تصویری روشن و گویا از حوادث آن دوران در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. نویسنده با طرح سؤالاتی در آغاز هر مبحث و نتیجه‌گیری مختصر در پایان آن ضمن ایجاد انسجام در ارائه مطالب، در خواننده برای دنبال کردن مباحث ایجاد انگیزه می‌کند. در این اثر، ضمن مآخذشناسی دقیق در خصوص مسائل مورد بحث و نقد و تحلیل داده‌ها و اطلاعات آن‌ها، آرای صاحب‌نظران و پژوهش‌گران معاصر نیز نقد و بررسی می‌شود، لذا تقریباً کل کتاب نوآوری است. هم ساختار علمی نو دارد و هم مؤلف مطالب و داده‌های خام تاریخی را با ادبیاتی علمی و تحلیلی توأم با خلاقیت ارائه کرده است. مآخذ مورد استفاده اثر اعتبار علمی کافی را دارد و نویسنده به تناسب، از منابع اصلی، مراجع عربی، و مراجع لاتین برای استحکام و مستند کردن مباحث و نیز تبیین موضوعات و نقد و بررسی آرا و نظریات بهره‌فراوانی برده است. در همین راستا مؤلف تلاش کرده است به وقت لزوم با وسواس علمی، اختلاف روایت‌ها و تفاوت برداشت‌های راویان اولیه را متذکر شود و سپس آن‌ها را نقد، تحلیل و ارزیابی کند.

لکن از آن‌جا که این اثر فاقد نتیجه‌گیری مستقل و جمع‌بندی نهایی است، خواننده باید خودش نتیجه‌گیری نهایی را از طریق استخراج و ترکیب نتایج جزئی از بطن مباحث به دست آورد. تا آن‌جا که خواننده برای فهم کامل مطالب مبحث فعلی نیاز به مطالعه مطالب مبحث بعدی دارد. نویسنده مطالب را دسته‌بندی نکرده و در قالب و شکل روایت تاریخی آن‌ها را کنار هم چیده است، لذا برای دریافت نظر نویسنده، خواننده ناچار است مطالب بسیاری را بخواند تا به نظر نویسنده در خصوص موضوعی معین دست پیدا کند. حالت ادبی نثر کتاب نیز بیش‌تر از حالت پژوهشی آن است و قبل از این‌که شیوه پژوهشی قلمداد شود، یک شیوه ادبی به نظر می‌رسد. نویسنده داوری و ارزیابی خود را بر مبنای واقعیات فعلی جامعه آن عصر بنا کرده و بر همان اساس به تحلیل حوادث پرداخته است. اگر نویسنده با رویکردی تحلیلی و موشکافانه به بررسی دقیق و عمیق اسباب و مسببات اصلی

بروز این حوادث، که عمده‌تاً ریشه در رویدادهای بلافاصله پس از رحلت پیامبر (ص) نظیر جانشینی ایشان و بروز گفتمان‌های موازی و بعضاً معارض با گفتمان اسلام نبوی یعنی گفتمان فتوحات و گفتمان اشرافیت دارد، می‌پرداخت، به تحلیل‌ها و نتایج مؤثرتر و نزدیک به واقع‌تری دست می‌یافت. نویسنده صرفاً به شکل استقرایی به ارائه مطالب پرداخته است و لازم بود از شیوه قیاسی نیز بهره می‌گرفت و مطالب در پایان هر فصل در قالب نتیجه دسته‌بندی و تنظیم می‌شد.

منابع

- ابن اعثم کوفی، أحمد (۱۴۱۱ ق). *الفتوح*، تحقیق علی شیری، ج ۲، بیروت: دارالأضواء.
ابن قتیبه دینوری، عبدالله (۱۴۱۰ ق). *الإمامة والسياسة*، تحقیق علی شیری، ج ۱، بیروت: دارالأضواء.
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴ ق). *انساب الأشراف*، تحقیق محمدباقر المحمودی، ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
جعیط، هشام (۲۰۰۰ م). *الفتنة*، بیروت: دارالطبعة.
مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، ج ۲، قم: دارالهجرة.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی‌تا). *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، بیروت: دار صادر.

Gallimard (ed.) (1989). *La Grande Discorde, Religion et politique dans L'Islam des origines*, NRF, Paris.